

لطیفه



اولی: اگر گفتی چه طوری می توان فهمید که یک دایناسور زیر تخت آدم است؟
دومی: وقتی احساس کردی دماغت دارد به سقف اتاق می چسبد!



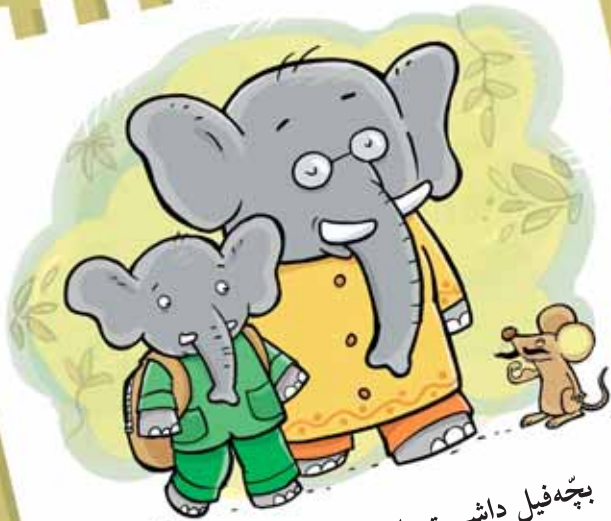
معلم: جمله‌ی «امروز، روز امتحان است» چه زمانی است؟
دانش آموز: زمان خیلی بدی است.

لطفاً خم نکنید
علی گودرزی



نوه: بابابزرگ! بابابزرگ! بیدار شو!
بابابزرگ: چیه؟! چی شده؟!
نوه: بابابزرگ یادت رفته قرص خوابت را بخوری!





بچه فیل داشت با مادرش به مدرسه می رفت، آقا موشه او را دید و گفت: «تو به این بزرگی هنوز با مادرت به مدرسه می روی؟»
 بچه فیل گفت: «بله! ولی شما به این کوچکی چرا سیبل داری؟!»



معلم به شاگرد: یک کلمه بگو که با «چ» شروع شود.
 شاگرد: دیروز!
 معلم: دیروز که با دال شروع می شود.
 شاگرد: مگر دیروز چهارشنبه نبود؟



اولی: ببخشید! ساعت چند است؟
 دومی: هفت.
 اولی: ای بابا! از صبح دارم از همه ساعت می پرسم
 هرکسی یک چیزی می گوید!